ادامه از صفحه اول

آمریکا، گریزناپذیری تقارن

...که نیاز بـه دگرگونی «اصل توجیه‌کننده» یا «اصل نظم‌دهنده سیاسـت» خود در قبال آمریکا را گریزناپذیر بیابد نیاز به درک یک واقعیت دارد. توفیق یا ناکامی در این مسیر بیش از هرچیز منوط بـه میزان تقارن در بین نخبگان اسـت. کمترین میزان تقارن در میان نخبگان درخصوص ضرورت دگرگونـی در اصل نظم‌دهنده سیاسـت مرتبط به آمریکا به‌منزله فزون‌تریـن هزینه برای دولت و بیشـترین قدرت مانور برای آمریکا باید قلمداد شود. بیشترین میزان توافق در درون سیستم در رابطه با بهبود رابطه با خصم موجودیتی (آمریکا)، وسـیع‌ترین حوزه چانه‌زنی «اقتدارمحور» را برای نخبـگان به‌وجود و شـدیدترین حجم فشـار را بر آمریکا وارد می‌آورد تـا به بازبینی دامنه‌دار در ارزیابی‌ها و استدلال‌های خود بپردازد. وجود اجماع درون حاکمیتی به منزله این نیست که دگرگونی در بن‌مایـه سیاسـت معطوف به آمریـکا ، نتایج مورد نظـر را ضرورتا به صحنه می آورد بلکه این نکته را برجسـته می‌کند که در صورت دوپارگی درونـی هر گامی و اقدامـی و به‌عبارت صحیح‌تر جایگزینی سیاست در شکل حداقلی آن منجر به تضعیف وسیع جایگاه صاحبان قدرت در معادلات داخلی و پراکندگی روانی در پایگاه اجتماعی آنان خواهد شـد. دگرگون‌کـردن پارادایم‌های حاکم در سیاسـت خارجی و بیان اینکـه چرا منازعه و مناقشـه موجودیتی و تاریخی با آمریکا نیازمند تجدیدنظر می‌باشد نیازمند این است که در ابتدا نخبگان حاکم یعنی جناح‌های مختلف سیاسی در درون حاکمیـت در مورد صحت هنجاری، اعتبار عقلـی و اجتناب‌ناپذیری عملی آن به جمع‌بندی برسـند و پذیـرش آن را چه از بعد منفعتی ، چه از جنبه ارزشی و چه از منظر هویتی مثبت تلقی کنند. دگرگونی ماهوی در حوزه رابطه با آمریکا در کشوری که دهه‌های متمادی از تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و پرستیژ جهانی اندازه قلیل بهره گرفته تا تجسم شیطانی از این کشور را به یک نهاد تبدیل کند تنها هنگامی امکان قرار گرفتن روی ریل را دارا می‌شود که نخبگان درون حاکمیت در میان خود توافق مبتنی بر باور را رقم بزنند و قبول کنند که همگی در یک قایق در منطقه و جهان قـرار گرفته‌اند. اگر دوپارگـی در رابطه با ضرورت دگرگونی بنیادی دیدگاه‌ها نسـبت به آمریکا در میان نخبگان درون حاکمیت وجود داشته باشد دو پیامد مخرب به‌وجود خواهد آمد. گسل در بین نخبگان حاکم به معنای استقرار دو جناح متعارض در دو سوی شکاف دیدگاه مرتبط به آمریکاست. اگر اجماع نظر در رابطه با تغییر دیدگاه و چرایی دگرگونی روابط با آمریکا در درون حاکمیت وجود نداشته باشـد جناحی که پیش‌قدمی در رابطه با آمریکا را به‌عنوان اعتبار برای خود عرضه می‌کند. فزون‌ترین کارشکنی‌ها و هجمه‌ها را از سوی دیگر شـکاف در برابر خواهد یافت کـه نهایتا با توجه به جوهـره چینه‌بندی‌های اجتماعی، سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی و مهم‌تر از همه محاسـبات دسـتگاه‌های مرتبط به مولفه‌های سخت‌افزاری، عقب‌نشینی و شکست همه‌جانبه را تجربه خواهد کرد. وجود گسـل از سـویی دیگر این امکان را از جناحی که خواهان ارزیابی متفاوت از آمریکاست را برای بسیج وسیع و همه‌جانبه نیروهای اجتماعی در راستای این هدف دریغ خواهد کرد. دگرگونی بنیـادی در درک آمریکا و بازتعریف روابط با این کشور نیازمند این است که نخبگان از یکپارچگی کامل برخوردار باشـند تا بتواننـد تمامی منابع، ارزش‌هـا، نیروها و توانمندی موجود در جامعه را برای دسـتیابی به خواست‌ها متمرکز کنند و به صحنه آورند. گسـل به معنای هـرز رفتن بخش گسـترده‌ای از توانمندی‌هاسـت که نهایتی جز شکست برای گروه‌های درون کشور دارای دیدگاه مثبت به آمریکا، رقم نخواهد زد.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۲/۹۲

(یک مرحله‌ای) نوبت دوم

۱- نام دستگاه مناقصه گذار: شرکت سهامی مخابرات استان هرمزگان

۲- آدرس دسـتگاه مناقصه گذار: بندرعباس،گلشهر،رسالت جنوبی ،ساختمان مرکزی مخابرات شماره تلفن ۸۱۱۲۲۵۸و۴۶۱۰۰۱۶

۳- موضـوع: تامیـن تجهیزات واجـرای خدمات جابجایی سـایت موبایل جلا بی

۴- دستگاه نظارتی: مدیریت ارتباطات سیار دستگاه مناقصه گزار

۵-نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمینی معتبر بانکی در وجه مخابرات هرمزگان

۶- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۹۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۷- قیمت اسناد مناقصه وشماره حسـاب: مبلغ:۱۰۰۰۰۰ریال به شمارحساب ۱۶۴۲۲۴۲۲/۳۲جام بانک ملت کد شناسه ۳۲۰۰۰۸۰۱۴۳۱۳۸

۸-مهلت فروش اسناد: ۹۲/۸/۸لغایت ۹۲/۸/۲۱

۹- مهلت تحویل پاکات: ۹۲/۸/۲۵لغایت۹۲/۹/۹

۱۰-تاریخ باز گشایی پاکات: ۹۲/۹/۱۰

۱۱- مکان باز گشایی پاکات: سالن کنفرانس واقع درساختمان مرکزی مخابرات

۱۲-سایر جزئیات وشرایط در اسناد مناقصه درج شده است.

۱۳-شرکت مخابرات در قبول یا رد پیشنهادات مختار است.

۱۴-حد نصاب شرکت کنندگان جهت باز گشایی پاکات حد اقل ۲شرکت می باشد.

Website:WWW.TciH.ir

شرکت سهامی مخابرات هرمزگان

سناتور فرانسوی «ژان ایو لوکونت» در گفت‌وگو با «شرق»:

ایران و اروپا از شرایط موجود خسته‌اند

فرنگیس بیات

سـناتور«ژان ایو لوکونت» مهندسـی است که از ۲۰۱۱ به سنای فرانسـه راه یافته است. از گروه سوسیالیست‌های مجلس سناست و مثل همه فرانسوی‌ها، معترض است، حتی به دولت سوسیالیست هم‌حزبی‌اش. بعد از ضبط مصاحبه در مورد اینکه چرا در سنای فرانسه هر سناتور صندلی مخصوص به خود دارد و بر اساس چه معیاری این صندلی مشخص و روی صفحه وب‌سایت سناتورها نمایش داده می‌شود پاسخ می‌دهد: «واقعا نمی‌دانم چرا، اما عرف در سنای فرانسه این است که معمولا باسابقه‌ترها، مسن‌ترها و کسانی که در جلسات تصویب قانون مهمی را در دست دارند، در ردیف‌های جلو می‌نشینند و جوان‌ترها مثل من صندلی‌های عقب‌تر را می‌گیریم. در سنای فرانسه برای رای دادن از دکمه الکترونیکی استفاده نمی‌کنیم. شرط حضور در جلسات و تعهد به حضور مهم است.» او با خنده می‌گوید: «من خیلی جوانم. سناتوری داریم که من وقتی ۹ساله بودم به سناتوری رسیده است.»

سفر شـما به ایران بعد از مدت‌زمانی نسبتا طولانی اتفاق می‌افتد. در سـال‌های گذشته تقریبا سفر رسمی و دیدار دولتی رسـمی میان ایران و فرانسه وجود نداشته است، سفر شـما را باید سفری ساده و پروتکلی یا تلاش جدیـدی برای گشـایش روابط دوجانبه ایران و فرانسـه ارزیابی کرد؟

ببینید سنای فرانسه ۳۴۸ سناتور دارد که من یکی از آنها هستم. نباید این سفر را بیش از تلاش یک یا دو سناتور به پای کل سنای فرانسه گذاشت. البته این تصمیم شخصی‌ام برای سفر به ایران را باید بیان کنم و نباید تفسیری بیش از آنچه باید از این سفر بکنم. البته اینکه اولین سفر مقامی در این رده اسـت که اتفاق می‌افتد بعد از مدت نسبتا زیادی بله اهمیت خاص خود را دارد. البته من و همکارم خانم سـناتور «گاریو مایلام» نه ماموریت ویژه‌ای از سـوی دولت داریم و نه اینکه کسی از ما خواسته است که به ایران بیاییم. من در ماه آگوست تصمیم گرفته بودم که به ایران سفری داشته باشم در ضمن به ما توصیه‌ای هم نشد که «نه لغو کنید یا به ایران سفر نداشته باشید بهتر است». بازخورد منفی‌ای هم در بین همکارانم نبود. شـخصا هم متقاعد بودم که باید این سفر را انجام دهم. چرا که آن را مفید فایده می‌دانستم. بررسی وضع فرانسوی‌هایی که در ایران هستند و ارتباطی که ایرانی‌ها با فرانسه و زندگی و مشغولیت‌هایشـان برای کار تحصیل، تحقیق و... با فرانسه دارند طبیعی است که یک نماینده مجلس را به وضعیت آنها حساس و پرسان کند. به‌هرحال می‌دانید که در سطح سیاسی رابطه تهران و پاریس چندان هم جالب نبوده اسـت. تحریم هست، محدودیت هست، سوءتفاهم هست. به‌هرحال مردمی که در میان این دو کشـور در حال تردد و زندگی هسـتند رنج می‌برند و وقتی نوراميدی پیدا می‌شـود وظیفه ماسـت کـه آن را جـدی بگیریم و برای شـروع این تغییر اتفاقا این پارلمان‌ها هسـتند که باید اول حرکت را شروع کنند. اصلا اتفاقی نیسـت کاملا منطقی است که پارلمانی‌ها پیش‌برنده اولیه این تحرکات باشـند. البته حتی بعد از انتخاب روحانی نیز چند وقتی به عدم اطمینان به این امید جدید گذشت. اما دیدار روحانی و اولاند در سازمان‌ملل جو را برای ما عوض کرد و مطمئن شدیم که ایران برای گشایش جدید جدی است.

اگـر نگاهی به همین روابطی که اشـاره کردید یعنی روابـط فرانسـه و ایـران بیندازیم، می‌بینیم که شـدیدا تحت‌تاثیر پرونده هسته‌ای بود چه آن زمانی که در قالب ترویکای اروپا دوران توافق‌های اعتمادسـازانه بود و چه بعد از آن‌که ظاهرا فرانسه از آمریکا در پیشبرد سیاست تشدید تحریم‌ها جدی‌تر بود. در قرارداد سعدآباد توافق حاصل شـد اما به‌واسـطه عدم رضایـت ایـران از ادامه داوطلبانه تعلیق موضوع هسته‌ای از مساله‌ای چندجانبه به بحران تهران- واشـنگتن تغییر موضع پیدا کرد. اروپا حاشیه‌نشـین این گفت‌وگوهاسـت. اروپا چه جایگاهی دارد؟ بـرای حل بحران به‌جز تشـدید تحریم سیاسـت دیگـری دنبال نکرده اسـت. از این به‌بعد باید منتظر چه رویکردی باشیم؟

نباید به اشتباه بیفتیم. پرونده هسته‌ای، پرونده‌ای اساسی و ساختاری است. اروپا از اهمیت این بی‌خبر نیست. اما آنچه موضع‌گیری‌هـای ما را متفاوت می‌کند منافـع و نگاه ما به مسایل است. مثلا ورود ترکیه به اتحادیه اروپا بین اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دو موضع مختلف را درست کرده است. برعکس آمریـکا منافع ما در خاورمیانه بـا آنچه آمریکایی‌ها دنبالش هستند متفاوت است. به‌لحاظ جهانی ما در یک فضا هستیم. منطق نگاه ما به خاورمیانه با آمریکا فرق دارد. منطق واشنگتن مبتنی بر دسترسی به انرژی به‌طور ویژه است. حال اگر ایران و آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای به شکلی از توافق بدون حضور اروپا هم دسـت پیدا کنند، باز هم شدنی نیست. نگاه کنید آمریکا در مصر چقدر بازنده است قسمت مهمی از منافعش را از دست داده است. نباید همه‌چیز را هم به آمریکا ختم کرد. ما از جنبه‌های مختلفی با آمریکایی‌ها در یک جهان هستیم اما تفاوت‌های مهم بین خود را هم داریم.

خب درست است اصلا شاید همین تفاوت‌ها حداقل در مورد فرانسـه از چشـم افکار عمومی ایران آنقدر بارز است که می‌گوید این تفاوت‌ها چرا هیچ مابه‌ازای عملی‌ای نـدارد؟ فرانسـه که از واشـنگتن تندروتر اسـت. تلاش فرانسـه را برای تشـدید تحریم‌ها باید به‌خاطر داشـته باشیم. موافق نیستید؟

فرانسـوی‌ها به‌طور کلی علاقه‌مند به داشـتن سیاست خارجـی قابل دفاعی برای خود هسـتند آن‌هـم در معنای تـوازن و البتـه تلاش بـرای تحقق منافع خود فرانسـه که مفهومی بسیار «گلیسـتی» است. ژنرال دوگل آغازگر آن بود و به‌طور خاص«فرانسـوا میتران» هم دنباله‌رو او. تا اینجا هیچ تردیدی نداریم. الان فضایی که گفتید درست است، من هم برداشت شما را دارم. موضوع مناظره‌های بی‌پایان را در داخل فرانسه برای اینکه بگوییم به کدام جهت نزدیک هستیم هر روز دنبال می‌کنیم. اما فکر می‌کنم من به‌عنوان سناتوری از سنای فرانسه باید این پیام را بدهم که پرونده هسته‌ای را نباید بحران رابطه تهران-واشنگتن کنیم. تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا و با قدرت‌های اروپایی مسـاله بسـیار دشـواری است. ساختار این تصمیم‌گیری، تعدد بازیگران و چندتصمیمی‌ها، همگـی وجود دارد. به‌علاوه اروپایی‌ها در دوران متفاوتی قرار گرفتند. سیاست خارجی دیگر صرفا به بنیان‌های ملی تکیه ندارد. در این فضا تحقق میراث «دوگل» دشوار است هر چند که می‌دانیم رویکردی پیشروانه است. فکر می‌کنم که فرانسه کاملا آماده است که امروز برای تحقق ابراز امیدواری‌ها از حرف به عمل حرکت کند. البته این جمله را پیشتر«جان کری» هم گفته بود. فرانسه کاملا آماده است که به ایران در عملی کردن گفتارهای جدیدش کمک کند.

فکر می‌کنید کـه این آمادگی وجود دارد که اروپا در اندازه«ترویکا»ی سابق به حل پرونده هسته‌ای کمک کند و عملا نقش سابق خودش را به نوعی بازپس بگیرد؟

مـن البته متخصص پرونده هسـته‌ای نیسـتم. پرونده هسته‌ای موضوع سـاختاری و پیچیده‌ای در روابط با جهان اسـت. اما نکته مهم این است که رسیدن به راه‌حل تدریجی است. نباید به شکل خلق‌الساعه چنین انتظاری از طرفین داشت. البته اهمیت این پرونده به‌قدری است که مطمئنا روی همـه روابط تهران با جهان و ما با تهـران تاثیر می‌گذارد. از این‌رو تاکید دارم که این پرونده پرونده‌ای سـاختاری است و کل روابط را تحت‌تاثیر قـرار می‌دهد. برای چنین پرونده‌ای دگرگونی گفتاری و واژگانی واقعا کافی نیسـت. فکر می‌کنم دیگر به مرحله‌ای رسیده‌ایم که هر دو طرف از وضعیت فعلی خسته شـده‌اند. صنایع و کارخانه‌های ما، شهروندان ایرانی، مسـوولان اروپایی، رهبران ایران و همـه. ما هم باختیم، ما هم ضرر کردیم شـما بیشتر. همه در مرزی قرار گرفتیم که می‌گوییم باید از این وضعیت خارج شد.

نقـش سـنا برای حـل ایـن موضوع به گفته شـما خسته‌کننده، چیست؟ آقای سناتور، ابتکار سنای فرانسه برای خـروج از این وضعیت چیسـت؟ چیزی پیش‌بینی شده است؟ یا اساسا در این زمینه شما مسوولیتی خاص ندارید؟

بله درست است که ما در قوه مقننه از حوزه اجرایی جدا هستیم. حتما تفکیک قوا وجود دارد. مذاکرات را دولت پیش می‌برد. اما آنچه ما در سـنا و در این سـطح انجام می‌دهیم، دیپلماسـی پارلمانی است. پارلمانی‌ها از سایر سیاستمداران دسـت بازتری دارند. اتفاقا اصلا اتفاقی نیست که این شروع جدید در رابطه با دو نماینده از قوه مقننه و دو سناتور اتفاق می‌افتد. نماینده پارلمان یا سنا نماینده رنج‌ها و مشکلاتی است که احتمالا مردم می‌برند پس باید نسبت به حل آن حساس‌تر باشد و سریع‌تر اقدام کند. البته این را هم می‌گویم که این سفر ممکن است به تغییر اساسی خیلی چیزها منجر نشود خیلی چیزها را عوض نکند اما ما نمی‌توانیم در همین سـطح هم پیام‌هایی را منتقل کنیم. از ایران به فرانسه و از فرانسه به ایران. با وزیر خارجه ایران، با رییس کمیسیون روابط خارجی مجلس با رییس گروه دوستی ایران و فرانسه و البته رییس کمیسیون امور قضایی مجلـس در ایران دیدار داشـتم. موضوع روابط خارجی و هسـته‌ای یکی از موضوعات دیدار من بوده است. موضوعات دیگر هم مطرح شـد در سطح حقوقی و قانونی، بحث آزادی‌های شـهروندی و امثال آن. مثلا امروز صبح من فهمیدم که«وبلاگ» من در ایران فیلتر اسـت. نمی‌دانم چرا؟ بحث اعدام‌ها را مطرح کردیم، بحث اجرای قوانین شـرعی. این مدل مبادلات خاص پارلمان است. خوب این تغییر شروع شـده است و نیاز هست تا این تغییر را درک کنیم و اثراتش را شاهد باشیم.

در عیـن حال پس فقط به هسـته‌ای فکر نمی‌کنید، دغدغه‌های اجتماعی هم دارید؟

(خنده). همین‌طور است. جامعه مدنی ایران مهم است. نباید آسـیب ببیند. مردم و فعالیت‌هایشان مهم هستند. در سطح پارلمانی وظیفه حرفه‌ای من است که به آن بپردازم و برای حلش تلاش کنم. تحولات اخیر در ایران نشان می‌دهد که ایران پیشرفت‌های غیرقابل انکاری کرده است. این برای ما محرز است. بنابراین ما هم باید به این مسایل بپردازیم.

از سیاست خارجی شروع کردیم به سیاست داخلی رسیدیم که بنا بر اظهارات شما همکاری با ایران برای شما قطعی است. در سطح منطقه‌ای چطور؟ گفت‌وگوهای ژنو۲ نیز از جمله محورهایی است که فرانسه در رفت و برگشت حضور ایران را می‌خواهـد. اما«لوران فابیوس» در آخرین موضع‌گیـری‌اش گویا با حضور ایران همدل اسـت. آقای سـناتور، سوریه به حل پرونده هسته‌ای کمک می‌کند یا برعکس؟

به‌طور کلی مشـکل امـروز خاورمیانه بی‌ثباتی اسـت. در لیبی، اردن، مصر، تونس، سـوریه و حاشـیه خلیج‌فارس چـه اتفاقی جریـان دارد؟ جواب یک چیز اسـت: بی‌ثباتی حکمفرماسـت. بی‌ثباتی چیزی نیسـت که فقط اثرش در خاورمیانه بماند. اما در همین وضعیت هم هستند بازیگرانی که منافعشان آغاز نوعی گفت‌وگو و مبادله باشد. موضوع هسته‌ای موضوعی نیسـت که باعث شود ما محدود به آن بمانیم و در مورد مابقی مسایل مهم حرفی نزنیم. مسایل افغانستان حداقل میان ایران و فرانسه دغدغه‌های مشترک درست کرده است. بحث موادمخدر از جمله مسایلی است که ما را در کنار ایران قرار می‌دهد. حتی بمباران شیمیایی در سوریه موضع ایران و فرانسـه را به هم نزدیک می‌تواند، بکند. درست است که از نظر ما جنایت علیه بشـریت است اما این ایرانی‌ها از بمباران شـیمیایی زخم خورده‌اند. شـاید از دو منظر متفاوت رژیم سـوریه را نگاه کنیم و حتی مواضع سیاسی‌مان با هم بر سر ماندن و رفتن و رژیم فعلی همخوانی نداشته باشد، اما بحث حفظ حقوق اقلیت‌ها برای ما و ایران هر دو مهم است. وقتی مسایل را کنار هم می‌چینیم، می‌بینیم ایران و فرانسه چه نقاط مشترکی دارند و باید روی اینها کار کرد. ما زاویه نگاهمان به مسایل فرق دارد، در مورد ضرورت حل مشکل هیچ تردیدی این میان نیست اینکه دولت در سوریه دیگر باید نوسازی شود.

نگاه بیرون

موانع منطقه‌ای حل یک مناقشه جهانی

the Atlantic

عربستان، ناراضی از دوستی ایران و آمریکا

دلیل واقعی اینکه عربسـتان نسبت به بهبود رابطه ایران و آمریکا نگران است این اسـت که بهبود روابط این دو کشور به کاهش درآمدهای نفتی این پادشاهی ختم خواهد شد. عربستان با رد پذیرش صندلی شورای امنیت اماواگرهای زیادی را متوجه خود کرده است. این حرکت بیش از هر چیز در مقابل سیاست‌های جدید آمریکاسـت که دیگر نه‌چندان تمایلی برای مداخله در سـوریه دارد و در مصر نیز حمایت ضمنی از اخوان‌المسـلمین می‌کند و برای ازسرگیری روابط با تهران هم جدی اسـت. مذاکره آمریکا با رقیب دیرینه عربسـتان یعنی ایران آخرین دور این کشـمکش‌های ریاض - واشنگتن بوده است. سه‌شـنبه گذشته رییس سرویس اطلاعاتی عربستان به دیپلمات‌های اروپایی گفته بود که ما باید منتظر «تغییر اساسی» از جهت‌گیری آمریکا به‌واسطه نارضایتی از موضع‌گیری واشنگتن در مورد سوریه و ایران باشیم. حتی شـباهت‌هایی میان موضع‌گیری عربستان و اظهارات اخیر وزیر خارجه اسراییل دیده می‌شود. اما نباید فراموش کرد که اختلافات عربستان با تهران بیشتر حول رقابت‌هـای منطقه‌ای و احتمال برداشته‌شـدن تحریم‌ها و نگرانی‌هـای اقتصادی اوج‌گرفتن اقتصـاد بدون تحریم ایران اسـت. به‌ویژه گفت‌وگوهای مثبت ژنو و بیشترشدن احتمـال لغو تحریم‌هـا در صورت همـکاری ایران زمینه و نگرانی‌های عربسـتان را بیشـتر و بیشتر کرده است. به هرحال سیاسـت‌های منطقه‌ای خصوصا وقتـی در مورد ایران باشـد برای عربسـتان نگران‌کننده می‌شـود. برای کشوری که بیش از ۹۰درصد از درآمدهایش به نفت وابسته است ظهور یک رقیب بالقوه هزینه‌های اقتصادی زیادی را به‌دنبال خواهد داشت. دشواری‌های جدیدی که عربستان با جامعه بین‌المللی می‌سازد تا حدود زیادی واکنشی است به بازگشت ایران به جامعه بین‌المللی.

مناظره در تهران، مناقشه در سوریه

بحران جاری سـوریه امروز بـدون در نظرگرفتن نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای مثل ایران و پادشـاهی‌های عرب چندان دقیق نیست. سیاست جدید حسن روحانی می‌تواند روابط قدرت موجود در منطقه و سـوریه را تعدیل و تغییر دهد. در داخل ایران مناظره حول دو دیدگاه اسـت؛ عده‌ای که فکر می‌کنند رقابت اصلی همچنان میان ایران با آمریکا و اسراییل اسـت و گروه دیگری که رقیب منطقه‌ای ایران، یعنی عربستان را کانون رقابت جدید منطقه‌ای می‌دانند. از منظر نظامی «درام» سـوریه یک مناقشه شـدید است که تنها به کشتن شهروندان عادی انهدام جامعه مدنی اقتصاد و شهرهای سوریه منجر شده و اساسا با وجود وزن مخرب خود توازن بین‌المللی یا منطقه‌ای را دگرگون نکرده اسـت. اما آیا به موازات عادی‌ترشـدن روابط تهران با غرب رقابت‌های تهران - ریاض و تهران با اسـراییل و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس شدت گرفته است؟ در حالی که عربستان در هنگامه ترک منطقه توسط آمریکا به‌دنبال سیستمی از محاصره و کنترل ایران است، ایران تلاش می‌کند تا مناقشه سوریه وضعیت منطقه را از این بیشتر دچار اختلال نکند و عربستان حتی به‌دنبال به شکست کشاندن سیاست جدید ایران مبتنی بر عادی‌سازی روابط با غرب است. در ایران مناظرات بیش از هر زمان دیگری میان «اصولگرایان» و «میانه‌روها» فضا پیدا کرده است. گروه اول در مورد گشایش خیلی سریع و باز روابط با غرب و اعطای امتیاز به غرب سختگیر هستند. گروه اول بیشتر درگیر مسایل سوریه و اسراییل هستند در حالی که گروه دوم بیشتر عادی‌سازی روابط اقتصادی، لغو تحریم‌ها و از سرگیری روابط دیپلماتیک با آمریکا را در دستور کار خود قرار داده‌اند. برای آنها جنگ در سوریه بار بزرگی بر سیاست خارجی ایران تحمیل می‌کند. اما هر دو گروه در مورد موضع سعودی‌ها و «تهدید محاصره» ایران در منطقه با هم اجماع‌نظر دارند. رسانه‌های ایرانی این روزها بیش از هر زمان دیگری درگیر پرونده هسته‌ای هستند اما بخش‌های تندرو سیاسی وضعیت سوریه را برای به چالش‌کشیدن سیاست گشایش روابط رییس‌جمهور میانه‌رو ایران مورد استفاده قرار می‌دهند. در عین حال در ایران و در میان سیاستمداران ایرانی این آگاهی وجود دارد که حمایت سنتی از سوریه دیگر امکان‌پذیر نیست اما قطع این حمایت نیز به هر قیمتی امکان‌پذیر نیست. هرچه روابط تهران - واشنگتن به سمت بهبودی پیش برود، احتمال رادیکال‌ترشدن رقابت میان تهران - ریاض بیشتر می‌رود.

THE MAJALLA

ایرانی‌های زیرک

در پشـت صحنه، ایرانی‌ها در قالب همکاری‌های بزرگ اقتصادی مشغول لابی غیرمستقیم با کنگره آمریکا هستند. خاورمیانه این روزها روی دو محور می‌چرخد: محور طرفدار ایران و محور ضدایران. ایران خود در گروه اول در کنار بخش‌هایی از عراق، سوریه و لبنان قرار دارد. پادشاهی‌های عرب سنی منطقه، یمن و اسراییل در گـروه دوم قرار دارند و در این میان عمان نیز نقش تقریبا بی‌طرفی بازی می‌کند. در خارج از منطقه روسـیه نگران تامین منافع خود در سـوریه اسـت و چین هم به‌دنبال بهبود موقعیت خود بدون طرفداری خاص از طرفین درگیر منطقه‌ای است. آمریکا درصدد محدودکردن ایران است و البته مسیر گفت‌وگو و رسیدن به توافق با ایران را هم دنبال می‌کند. اسراییلی‌ها و سعودی‌ها هرکدام به‌طور خاص به‌دنبال متقاعدکردن مسکو به کاهش حمایت‌هایش از تهران و دمشق هستند. هر دو دولت به‌طور مسـتقیم یا غیرمستقیم با فعال‌کردن لابی‌هایشـان در آمریکا از واشنگتن می‌خواهند که اسلحه تحریم را کنار نگذارد. بسیاری بر این باورند که لابی ضدایرانی هدفی جز معتبر نگهداشتن گزینه حمله نظامی به ایران ندارد. گروه لابی طرفدار اسـراییل و آیپک که اخیرا به طنز «گوریل‌های ۸۰۰پونـدی در یک اتاق» نامیده می‌شوند کاری جز تشویق و فشار آوردن برای شکل دادن حمله نظامی ندارند. هرچه لابی‌ها در خفا تلاش می‌کنند، عربستان صراحتا از نارضایتی خود در مورد بی‌کنشی آمریکا در سوریه ابراز نارضایتی می‌کند. اما در مقابل عربستان، اسراییل و لابی‌های آنهـا قدرت دیگری هم وجود دارد که یک تنه و به اندازه کافی با قدرت مشـغول لابی‌کردن اسـت. این قدرت خود ایران است و عوامل آنکه تجارت‌های بزرگ را در دست دارند.» عشق به پول ریشه همه بدی‌هاست. این ضرب‌المثل مهمی در انجیل است. ایرانی‌ها هم این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند و ایرانی‌ها حتی توانسته‌اند آمریکایی‌ها را به مزایای این بهبود روابط متقاعد کنند و آنها را بسیار بهتر از قبل سر میز مذاکره بیاورند. ایرانی‌های زیرک.

The Economist

امیدهای جدید برای حل پرونده هسته‌ای ایران

بعد از سال‌ها ناامیدی و بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای خیلی زود است انتظار داشته باشیم حل نهایی این پرونده هرچه زودتر اتفاق بیفتد. ارایه بسته پیشنهادی و جدیت ایرانی‌ها در این دور مذاکرات بی‌سابقه بوده است. ظاهرا تغییر در رویکرد ایرانی‌ها بعد از روی کار آمدن حسن روحانی عینی و قابل تشخیص است. گام اول ایران تلاشی بوده است برای ساختن چارچوب توافقی که ایران در این میان تلاش کرده اسـت «وضعیت نهایی» حل پرونده هسته‌ای را بنابر اهداف مشترک با شش قدرت تعریف کند. مرحله دوم پذیرش تعهدات و کاهش گام‌به‌گام تحریم‌هاسـت که تدریجا پیش خواهد رفت؛ تحریم‌هایی که به‌ویژه در بخش فروش نفت و روابط مالی با ایران وضع شده است. اما مذاکره‌کنندگان آمریکایی آگاه هستند که اوباما در کمال اشتیاق باید با کنگره‌ای بدبین به چانه‌زنی بپردازد. رییس‌جمهوری که دایما زیر این انتقاد شدید قرار دارد که به هر حال بر سر پرونده هسته‌ای خواهان امضای قراردادی نه چندان مطلوب و حتی بد است. کلید اصلی حل پرونده هسته‌ای ایران پذیرش پروتکل الحاقی ان‌پی‌تی که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه می‌دهد بر فعالیت‌های اتمی ایران نظارت رضایت‌بخش داشـته باشد. اگر مذاکره‌کنندگان آمریکایی چشـمی به وضعیت داخلی خود داشـته باشـند وضعیت ایـران را نیز درک خواهند کرد. جواد ظریف کمردرد شـدید خود را با حملات تند رسـانه‌های محافظه‌کار در ایران مرتبط دانسـته بود؛ حملاتی که تنها به این رسانه‌ها محدود نماند و از هر چهار گوشه میدان محافظه‌کاری در سیاست ایران شنیده می‌شد. اما مهم‌ترین سوال این است که ظریف تا کجا می‌تواند از خود انعطاف نشان دهد و این انعطاف تا کجا مورد حمایت خواهد بود؛ روندی که نهایتا مشخص خواهد کرد آیا توافقی وجود خواهد داشت یا خیر.

آینه

اطلاعات

یادداشـت: «صداقـت، اخـلاق، امیـد»؛ فتح‌الله آملی(جوادی)

تعـارف را کنار بگذاریم و کاری را که در گذشـته گاه و بیگاه صورت می‌گرفته، تکرار نکنیم. اینکه یک روز وزیر محترم مسکن اعلام کند که به تمام تعهدات مسکن مهر عمل می‌کنیم و در جای دیگری بگویند که مسـکن مهر قابل ادامه نیسـت. یا یک عزیز بگوید ما به پرداخت یارانه ادامه می‌دهیـم و عزیز دیگری بگوید این وضع قابل ادامه نیست و چندین و چند مورد و موارد و مسایلی از آن است که گویی دوستان گرفتار رودربایستی شده‌اند که چون در زمان انتخابات وعـده آن را داده بودند و حال اگر انجامش ندهند زیر قولشان زده‌اند و نظیر آن، ماندن در رودربایستی و تعارف است و هر حرکت غیرعملی و غیرکارشناسی که از سـر احساسـات یا تعارف یا به قول جوان‌ترها جوزدگی صورت پذیرد که نتیجه آن استمرار بیماری اقتصاد باشد، دردی را درمان نخواهد کرد. پس بهترین کار آن اسـت که تعارف و رودربایسـتی را کنار بگذاریم و صادقانه با مردم به صحبت بنشینیم. باور کنید و کنیم که اگر مردم را محرم بدانیم و شفاف و صادقانه با آنها مسایل را در میان بگذاریم، با ما همراهی خواهند کرد.

قانون

گفت‌وگو/ «زیباکلام: آمریکاسـتیزی در ذات انقلاب نبود»

ظرف این ۳۵سـالی که از انقلاب می‌گذرد و ۳۴سالی که از منظر آمریکاسـتیزی می‌گذرد هیچ‌گاه این پدیده را کالبدشـکافی نکردیم و فرض را بر این گذاشـتیم که این دشمنی و آمریکاستیزی، بخشـی از ذات انقلاب اسلامی بوده... آمریکاستیزی در انقلاب بود اما از جایی آغاز شد که گفتمانی که در ایران حاکم شد گفتمان چپ مارکسیستی شـد، که در این گفتمـان مقوله‌ای به نام امپریالیسـم و امپریالیسم آمریکا یکی از فوندانسیون‌های مارکسیست و نگاه ضدآمریکایی بود. این گفتمان وارد جریان اسلامگرا هم شد، نه آن جریانات نجف یا حوزه وارد جریانات مبارز شده بـود. ببینید من با اینها زندگی کـردم و خود من به‌عنوان کسی که چرا می‌گوییم بعد از شاه نوبت آمریکاست... اصلا و ابدا نمی‌گویم که آقایان عبدی و میردامادی و خانم ابتکار و... مارکسیست بودند و مسلمان نبودند که بنده اعتقاد دارم تک‌تک این اعضا از مصطفی تاجزاده تا میردامادی و خانم ابتکار از بسیاری دیگر از مدعیان مسلمان‌تر بوده و هستند و با این عرق اسلامی و باور مذهبی رفتند و سفارت را تسخیر کردند اما به نوعی این نوع گفتمان مارکسیستی در جامعه بین دانشجویان و نخبگان و روشنفکرها به وجود آمده بود نه از منظر باور و عقیده دینی بلکه از منظر مبارزه‌جویی‌اش... ابراهیم اصغرزاده بسیار انسـان باهوشی است. برای اینکه سال ۱۳۵۵ دانشگاه آریامهر قبول شد. معصومه ابتکار هم همین‌طور، من نمی‌توانم این تصور را از آنها بپذیرم که فکر می‌کردند در آن تاریخ آمریکا قصد کودتا داشته است. یعنی من به هم می‌ریزم که یک نفر به من بگوید باور کرده است که آمریکایی‌ها شاه را برده بودند نیویورک تا بتوانند کودتا کنند... متاسفانه ما یک جامعه شعارزده و به‌شدت متوهم داریم که در این جامعه حقایق هیچ‌گاه بازگو نخواهد شد.

کیهان

سـرمقاله: «مرگ بر آمریـکا» کاهنده یـا افزاینده قدرت ملی؟»؛ سعدالله زارعی

شـعار مرگ بر آمریکا برخلاف آنچه تبلیغ می‌شـود، مقدمه جنگ نیست بلکه نتیجه جنگی است که قدرت‌های زورگو در ابعاد مختلف بر ملت‌های مظلوم تحمیل کرده‌اند. آنان که نازک‌طبعی به خرج داده و خواسـتار کنارگذاشتن ایـن شـعار - و در واقـع مهم‌ترین راهبرد منفعت‌سـاز - می‌شـوند، خوب اسـت یک فکری برای مقدمه این شعار بکنند مقدمه‌ای که بر اقدامات بسیار پرهزینه عملی استوار است نه یک سلسله تبلیغات رادیو تلویزیونی صرف. شعار مرگ بر آمریکا و گسترده‌شـدن آن و تکـرار به زبان‌های اردو، عربی، انگلیسی، روسـی، اسپانیایی، فرانسوی نشان می‌دهد که یک احساس و قضاوت عموم